

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۱ • ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۳ • ۲۴ جولای ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۳۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۴:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۶
اذان صبح فردا ۴:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

# روزنامه شرق

**درباره‌ی الی - اصغر فرهادی - ۱۳۸۷**

ترانه علیدوستی (الی): می‌شه بی‌رسم چطور شد از هم‌سرتون جدا شدین؟

شهاب حسینی (احمد): یه روز صبح از خواب باشدیم، دست و صورتمون رو شستیم، صبحونه‌مون رو خوردیم همسرم گفت:

«بسا آی اینده می‌چفکن، آل سایینه چفکن ار نورتبه که (به آلمانی)

یعنی: «به پایان تلخ، بهتر از به تلخی بی‌پایانه». ترانه علیدوستی: آره واقعا...

### تحلیل

**جستاری در الزامات سینما دیپلماسی**

## فیلم‌ها ارزش‌های یک فرهنگ هستند

**مریم خالقی‌نژاد\***، دیپلماسی سینمایی امروزه به عنوان وسیله‌ای برای تقویت روابط و ایجاد تفاهم فرهنگی عمل می‌کند. این نوع از دیپلماسی در قلب بازنمایی‌های بصری کشورها قرار دارد. دیپلماسی سینمایی به عنوان یک مفهوم در طول جنگ سرد پدیدار شد، در طول قرن بیستم و پس از آن، فیلم و سینما به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و در دسترس‌ترین رسانه‌های دیپلماسی فرهنگی بوده و توانایی منحصربه‌فردی در تأثیرگذاری بر «توده‌ها» در سراسر جهان داشته است، به‌ویژه، فیلم‌های خاصی که نه تنها در این زمینه موفق بوده‌اند و توانسته‌اند تماشاگران را سرگرم کنند بلکه نمونه‌هایی از فیلم‌هایی هستند که واقعا به آموزش، تقویت و حفظ روابط، شکستن کلیشه‌ها و فراتر رفتن از مرزها در سطوح مختلف کمک کرده‌اند. در برابر لغوی‌ی‌شمار رویدادهای فرهنگی در سراسر جهان، بپوایی مدار جشنواره فیلم و بازنمایی آن دوره‌های جدید و دیدگاه‌های متفاوتی به خود گرفت. با توجه به بستر بین‌المللی بیش از حد به هم پیوسته و وابسته ایجادشده در دهه‌های اول قرن بیست‌ویکم، می‌توان یک حوزه خیالی چندفرهنگی و پیچیده را شناسایی کرد که در آن روابط بین کشورها به‌طور فزاینده‌ای نمادین و ذهنی می‌شود. در این محیط، یک جنبش نهادینه از طریق سینما، سیاست‌ها و شیوه‌های اصلی فرهنگی، درباره بازنشر مفاهیم و درک ارگانیک درباره فرهنگ و هویت‌های ملی و بین‌المللی به وجود آمده است. برای مثال مؤسسات مختلفی روی ارتباطات فرهنگی بین استرالیا و آلمان از طریق دیپلماسی سینمایی آلمان در استرالیا و جشنواره فیلم‌های آلمانی در ملبورن تمرکز دارند. انستیتو گوته جشنواره سالانه فیلم‌های آلمانی را سازماندهی می‌کند که وظیفه آن نمایندگی آلمان در استرالیا، انتشار فیلم‌ها و نمایش تصویری جامع و چندوجهی از آلمان است. این جشنواره که توسط آلمانی‌ها برای تماشاگران استرالیایی برگزار می‌شود، امکان تجزیه و تحلیل بخش‌های مرئی و نامرئی فرهنگ آلمان را از طریق دیپلماسی سینمایی فراهم می‌کند و به بازنمایی فرهنگی برای نسل جدید منجر می‌شود. در این پیچیدگی، بیان آثار سینمایی به مثابه تجلی یک قدرت بزرگ که قادر به ادغام موزاییکی از جوهره‌های فرهنگی از یک عنصر معرف واحد است مشاهده می‌شود. است. این به ما امکان می‌دهد سینما را به‌عنوان پایه‌ای ممکن برای تاریخ و جابه‌جایی فرهنگی خود به‌عنوان یک جامعه مشاهده کنیم. بنابراین، سینما را می‌توان ابزاری دانست که قادر به بازتاب و پیروی از رفتارها و جهت‌گیری‌های یک بیان جمعی است. واکنش به این تحولات در عرصه سینما و فیلم به دو صورت بروز کرده است یکی رویکرد مثبت آن و دیگری که ضعیف‌تر هست و وجهه منفی آن است. رویکرد مثبت: آن است که فیلم‌ها بیان‌کننده ارزش‌های فرهنگی یک ملت هستند و ابزار بیان ارزش‌های فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند که جامعه مدنظر را نشان می‌دهند و بنابراین باید تا حد امکان به طور گسترده دیده شوند. از این‌رو می‌بینیم که کشورهای مختلفی مانند ایران، تایلور، ترکیه، ایتالیا و… به دنبال فرصت‌هایی برای نمایش فیلم‌های خود در کشورهای همسایه هستند و اهمیت آن به حدی است که یک روزنامه‌نگار نچریه‌ای تأثیر صنعت فیلم کشورش را در منطقه، جشن می‌گیرد. از سوی دیگر، رویکرد منفی را نیز می‌بینیم (که البته بسیار کمتر است): به این معنا که دل‌نگرانی‌هایی وجود دارد از اینکه صنعت فیلم کشوری دیگر، برداشت‌های فرد از خود و جامعه را تحریف می‌کند و ترس از اینکه صنعت فیلم مبدأ را تحت تأثیرات خارجی و اثری‌های آن، به مسیر دیگری هدایت کنند. این امر ایده‌ای آشناست؛ هرچند توسط گروه جدیدی از شخصیت‌ها ارائه شده است: ایده کاملا ساده اما واقعی است از آنجایی‌که فیلم‌های سینمایی مخاطبان زیادی را تحت کنترل خود دارند و در شکل‌گیری برداشت آن مخاطب از جهان تأثیر دارند؛ بنابراین باید به آنها توجه شود، چراکه امکان تخریب برداشت‌های مخاطبان از یک فرهنگ و تمدن دیگر وجود دارد. براهه نرفته‌ایم اگر بگوییم در عصر کنونی سینما به‌عنوان ابزاری مناسب در کمک به تحقق اهداف خرد و کلان کشورها و دولت‌ها تبدیل شده است یا در حال تبدیل‌شدن است. علت این امر آن است که در کشورهای ثروتمند و قدرتمند صنعت فیلم و سینما در گذشته قسمتی از آن در خدمت سیاست‌مداران مختلف قرار گرفته است. این امر به معنای آن نیست که در گذشته نسبت به سینما و فیلم و کارکرد آنها در اهداف سیاسی غفلت شده است، بلکه با توجه به چرخش کارکردی برخی از مراکز و محورها، گروهی از فعالیت‌های عملی به حاشیه رانده شده و گروهی دیگر به میدان آمده است. همچنین با توجه به غیر بیش‌بینی بودن روند تغییرات جهانی‌شدن، در آینده نیز این امکان وجود دارد که سردمداران فعالیت‌های کنونی در عرصه جهانی‌شدن به مدار دیگری انتقال یافته و آنان‌ی که اکنون در مرکز فعالیت هستند به حاشیه‌ی رانده شده یا تغییر کارکرد مواجه شوند و گروه‌های دیگری جایگزین آنها شوند که چه بسا این گروه‌ها متولدشده از همین کشمگران باشند. بنابراین در حال حاضر با تغییراتی در میدان عمل‌ورزی بازیگران در راستای اهداف کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها واقع شده‌ایم که برخی فعالیت‌ها یا به عرصه سیاسی و اهداف کلان گذاشته‌اند. شاید در گذشته تنها برخی کشورهای خاصی توانایی استفاده از این ابزارها را در خدمت اهداف کلان کشوری داشته‌اند اما اکنون با عطف به خدمات جهانی‌شدن این امر برای همه ولّی‌ها و شیب‌های متفاوت قابل دسترسی است. نمونه بارز آن اهمیت صنعت فیلم و سینما در امور سیاسی و ترویج اهداف سیاسی است. تا قبل از دهه‌های کنونی این بیش‌بیشتر توسط کشورهای قدرتمندتر عملی می‌شده است که از طریق ابزار کارآمدی همچون فیلم و سینما اهداف سیاسی خود را نشر می‌داده‌اند و حتی اعمال می‌کرده‌اند؛ اما در برخی کشورهای دیگر این هنر صرفا برای اهدافی با چارچوب‌های محدودتر تلقی می‌شده است؛ این امر نه به معنای عدم آگاهی از این توانایی بلکه به دلیل عدم توانایی بوده است. در هر حال اکنون همه کشورها امکاناتی مناسب برای استفاده از صنعت نامبرده در خدمت اهداف سیاسیِ خویش دارند. آنچه بارز است امروزه گرایش به فیلم و سینما با توجه به ابزارهای مختلف و دسترسی راحت‌تر برای مردم مورد استقبال بیشتری واقع شده است و به‌راحتی می‌توان به میزان استفاده کاربران مختلف از طریق ابزارهای کنونی مانند شبکه‌های مجازی در تماشای فیلم و سریال‌ها استناد کرد. بنابراین جای هیچ‌گونه تاملی نیست که این صنعت ابزار مناسبی در خدمت اهداف خرد و کلان دولت‌ها در عصر حاضر است. صنعت فیلم و سینما در حال تجربه یک تجدیدی است که کارکردهای متنوع فرهنگی و سیاسی آن براساس مؤلفه‌های زیر بحث تأثیر قرار گرفته است:
۱- قرار گرفتن در زیرمجموعه قدرت نرم ۲- تقویت ارتباطات با مفهوم برندسازی ملت ۳- افزایش پیوستگی متقابل جهان و اهمیت دیپلماسی فرهنگی ۴- جانش‌های فرهنگی جهانی و محلی.

در ایران اسلامی نیز اگرچه تأکید بر حفظ سینما در برخی مؤلفه‌ها به عنوان سینمای ملی است اما نباید فراموش کرد که فرهنگ ایرانی اسلامی امروزه از طریق این ابزار قابل نشر است و می‌تواند بر جوامع دیگر مؤثر افتد. اهمیت این امر در تأثیرپذیری جوانان و نسل جوان در جهان نهفته است که با تماشای فیلم و سریال‌های فرهنگی به ترسیم چارچوب ذهنی خود در مورد آن کشور و فرهنگ می‌پردازند و سپس به مرور زمان به نشر افکار شکل‌گرفته خود درمورد آن فرهنگ و اظهارنظر براساس همان تفکر می‌پردازند.

انتظار می‌رود در سینما و فیلم ایران در به‌صورت پرزگت‌به و تجویز و صدور ارزش‌های فرهنگی به خارج از مرزهای ایران بپردازند.

**♦دکترای تخصصی علوم سیاسی؛ مدیر گروه دیپلماسی فرهنگی؛ هنر و سینمای انجمن ایرانی غرب آسیا**



## آیا برکناری کلانتری چاره احیای دریاچه ارومیه است؟

۷۱ میلیون دلار برای اجرای آن در نظر گرفته شد. دبیر سابق ستاد احیای دریاچه ارومیه سال ۱۴۰۰ مدعی شد که با بهره‌برداری از تونسل انتقال آب زاب به دریاچه ارومیه حجم آب دریاچه در ۱۴۰۷ به ۱۴.۷ میلیارد مترمکعب می‌رسد و دریاچه را احیا می‌کند. با انتقال آب از زاب سالانه حدود یک میلیارد مترمکعب آب به صورت دائمی وارد دریاچه می‌شود. حجم آب دریاچه ارومیه اکنون به حدود یک‌دهم مساحت آن در حدود ۳۰ سال قبل کاهش یافته و به پنج درصد از حجم تاریخی آن کاهش یافته. بخش اعظم دریاچه در حال حاضر توسط جلبک‌های قرمز مصرف می‌شود که با ناپدیدشدن آب و افزایش محتوای نمک، تکثیر بسیار یافته‌اند. با وسعت‌یافتن پوشش سطحی نمکی، بادهای شدید کف دریاچه فوق شور را به توفان‌های غبار نمکی تبدیل می‌کند که بر سلامت تنفسی مردم شمال غربی ایران اثرهای مخربی گذاشته است.

دولت دوازدهم (دولت دوم رئیس‌جمهور روحانی) حدود ۲.۳ میلیارد دلار برای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه انتقال آب از سد کانی سبب به دریاچه اختصاص داد. اکنون تراز این دریاچه به ۱۲۷۰ متر رسیده است. حجم آب دریاچه پیش از ۴ میلیارد و ۶۲۰ میلیون مترمکعب برآورد شد. میزان بالای نرمال بارندگی سال‌های آبی ۹۷-۹۸ و ۹۸-۹۹ در صورت ادامه خشک‌شدن دریاچه ارومیه، تغییرات اکوسیستمی در استان‌های آذربایجان شرقی، کمک کرد، اما برای رسیدن به سطح اکولوژیکی خود یعنی ۱۲۷۴۰۱۰ هنوز به حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب آب نیاز دارد. ۹۰۱ میلیون نفر (مرکز آمار ایران، برآورد ۱۴۰۰) در سه استان آذربایجان شرقی و غربی و کردستان زندگی می‌کنند که تحت اثر مستقیم خشک‌شدن دریاچه ارومیه قرار دارند. در حوضه دریاچه، باغداری و کشاورزی منبع اصلی درآمد و اشتغال ساکنان است. با خشک‌شدن دریاچه، توفان‌های نمک از شوره‌زارهای روباز روی

### روزها

## خطر انقراض کوسه‌ماهی‌ها بیشتر می‌شود

عمان شناسایی شده است. شخضا معتقدم مشکل اساسی در مدیریت گونه‌های در معرض خطر انقراض دریایی ازجمله ماهیان غضروفی، نبود آگاهی نیست، بلکه عدم یک عزم ملی بین تمامی ذی‌نفعان برای دیدن مشکل است. امروزه علی‌رغم وجود قوانینی مکتوب که صراحتاً برای جلوگیری از صید و صادرات ماهیان غضروفی موجود وضع شده‌اند، صید این آبزیان به شکل هدف و به شکل صید ضمنی در کشور در حال اتفاق‌افتادن است. هرساله در فصل بهار بیش از شش هزار تن، یعنی بیش از دو میلیون فرد، از بیش از حداقل ۲۷ گونه سفره‌ماهی در سواحل ایرانی دریای عمان به اسکله‌های صیادی آورده می‌شوند که برخی از گونه‌ها با قیمت نازل کلوبوی ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان به پاکستان و از آنجا به چین و آسیای جنوب شرقی صادر می‌شوند.

بقیه آنها نیز با قیمت نازل‌تر زیر پنج هزار تومان به کارخانه آرد ماهی منتقل می‌شوند تا خوراک دام شوند. حدود ۷۵ درصد، یعنی سه‌چهارم کل این گونه‌ها در لیست قرمز IUCN به‌عنوان گونه‌های در معرض خطر انقراض طبقه‌بندی شده‌اند. این منطقه حدود ۱۵ درصد از بیش از ۱۲۵۰ گونه ماهیان غضروفی را در خود جای می‌دهد، اما همچنین توسط کشورهای محاصره شده که میزان بالایی از صید و تجارت کوسه‌ماهیان و سفره‌ماهیان را دارا هستند؛ مثل هند، پاکستان، چین، سومالی و البته ایران. بنابراین جای تعجب نیست که نیمی از تمام گونه‌های گزارش‌شده در این منطقه، در لیست سرخ IUCN به‌عنوان گونه‌های در معرض خطر انقراض طبقه‌بندی شده‌اند. حال که نام کشورمان به میان آمده، خوب است وضعیت حفاظتی ماهیان غضروفی در آب‌های جنوبی ایران را نیز بررسی کنیم. آب‌های ایرانی خلیج فارس و دریای عمان چیزی حدود هشت درصد کل گونه‌های ماهیان غضروفی جهان را در بر می‌گیرد که طبق لیست سرخ IUCN، حدود ۷۰ درصد آنها در معرض خطر انقراض قرار دارند. جای تعجب هم ندارد؛ زیرا اگرچه آمار صید ماهیان غضروفی در ایران، همه گونه‌ها و همچنین آمار صید غیرمجاز و گزارش‌نشده را در بر نمی‌گیرد، اما حتی بر طبق همین آمار ناقص نیز ایران جزء ۲۶ کشوری طبقه‌بندی شده است که همگی با هم مسئول بیش از ۸۰ درصد صید ماهیان غضروفی جهان هستند. در بین فهرست ماهیان غضروفی آب‌های جنوب ایران، می‌توان نام سه گونه کیتارماهی را که در لیست سرخ IUCN با نماد به‌شدت در معرض خطر انقراض (Critically Endangered) طبقه‌بندی شده‌اند نیز دید با همچنین گونه به‌شدت در معرض خطر انقراض سفره‌ماهی بروانه‌ای شاخک‌دار که برای بیش از چهار دهه در هیچ جای محدوده پراکنشش دیده نشده بود و گمان می‌شد به کلی منقرض شده است، اکنون آخرین جمعیت باقی‌مانده‌اش در آب‌های ایرانی خلیج فارس و دریای



♦ افزایش بی سابقه دمای هوا در استان خوزستان علی‌الخصوص اهواز به طوری که در بعضی از ساعات شبانه‌روز گرما‌های هوا به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. عکس: سید خلیل موسوی / مهر

### آکادمی

### کشف ژن شگفت‌انگیز برنج



**محمد حسین عمادی**

**استاد و پژوهشگر در دانشکاه‌های چین**

در شرایطی که جهان با سومین بحران غذایی در نیم‌قرن اخیر روبه‌روست و هر لحظه اخبار ناامیدکننده‌ای از ناامنی غذایی و افزایش گرسنگان جهان به گوش می‌رسد، پنجاهمین‌گذشته (۳۰ تیرماه)، ژورنال ساینس (Science) از کشف یک ژن خارق‌العاده و پربارزه به نام OsDREB1C از سوی یک تیم تحقیقاتی در مؤسسه علوم زراعی، آکادمی علوم کشاورزی چین خبر داد که می‌تواند به طور هم‌زمان با بهبود راندمان فتوسنتز و جذب نیتروژن عملکرد محصول برنج را حداقل بیش از ۳۰ درصد افزایش دهد.
داوران مقاله پژوهشی ساینس معتقدند که این تیم کار خارق‌العاده‌ای را در انجام موفقیت‌آمیز تعداد زیادی آزمایش‌های مزرعه‌ای با محصولات مختلف اوکراین باعث شده است که تعداد گرسنگان جهان روند افزایشی یافته، به نحوی که براساس داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد تعداد افراد مبتلا به گرسنگی در جهان به بیش از ۹۰۰ میلیون نفر رسیده. همه برآوردها از افزایش جمعیت جهان تا مرز ۱۰ میلیارد تا سال ۲۰۵۰ حکایت داشته و این به معنی نیاز به ۵۰ درصد افزایش غذاست. این در حالی است که کره خاکی با محدودیت‌های جدی در برداشت از منابع پایه به‌خصوص آب و خاک روبه‌روست؛ بنابراین تنها دو راه‌حل برای نوع بشر باقی می‌ماند: اول افزایش بهره‌وری در عملکرد دره از ای منابع محدودکننده تولید یا تکیه بر فناوری‌های نوین و دوم کاهش و بهبود مصرف از طریق ارتقای الگوی مصرف و کاهش صنایعات. لازم به ذکر است که تغییرات اقلیمی در سال‌های اخیر باعث کاهش بهره‌وری و رشد عملکرد محصولات زراعی در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان شده است. تحول تولید در دوران انقلاب سبز متکی بر کودهای شیمیایی و بذرهای اصلاح‌شده و ماشین‌آلات کشاورزی بود؛ اما در پنج دهه گذشته این روند دچار اختلالات شدیدی شده است. استفاده از کود نیتروژن یکی از اقدامات مهم برای افزایش عملکرد محصول است؛ اما در سال‌های اخیر، مصرف بیش از حد مقدار زیادی کود نیتروژن نه‌تنها باعث بهبود مستمر عملکرد محصول نشده است؛ بلکه باعث ایجاد مشکلات جدی آلودگی زیست‌محیطی، مانند کاهش کیفیت و اسیدی‌شدن خاک و انتشار گاز‌های گلخانه‌ای شده و به‌کارگیری ماشین‌آلات کشاورزی نیز با محدودیت جدی روبه‌رو شده است. به‌همین‌دلیل نقش فناوری بیوتکنولوژی و بذور اصلاح‌شده بیش‌ازپیش در فرایند امنیت غذایی نقش‌آفرین خواهد بود.
تکیه بر تکنولوژی زیستی و بهبود راندمان و بهره‌وری ارقام زراعی یک امر راهبردی و درعین‌حال بسیار چالش‌برانگیز است. کربن و نیتروژن مهم‌ترین درشت‌مغذی‌های ضروری برای رشد و نمو گیاه و همچنین اجزای اصلی سلول‌ها هستند. یکی از راهبردهای جدید در اصلاح ژنتیکی بذور بهبود هم‌زمان عملکرد محصول و کارایی مصرف نیتروژن مورد نیاز است. گیاهان از یک طرف با عمل فتوسنتز دی‌اکسیدکربن موجود در اتمسفر را جذب و به مواد آلی تبدیل می‌کنند و از طرف دیگر، با جذب نیتروژن از طریق ریشه‌های خود عملکرد عملکرد محصول را افزایش می‌دهند. گیاهان برای تثبیت کربن به فتوسنتز متکی هستند و برای جذب نیتروژن به ریشه‌ها متکی هستند. این دو فرایند ارتباط نزدیکی با هم دارند و برای شکل‌گیری محصول بسیار مهم هستند. یکی از موضوعات مهم علمی در زمینه علوم کشاورزی برای بهبود راندمان محصولات و ارتقای هم‌افزایی متابولیسم کربن و نیتروژن محصولات به منظور دستیابی به عملکرد بالا و راندمان بالاست. توانایی ژن کشف‌شده در افزایش و بهبود هر دو عامل فوق‌الذکر یعنی تثبیت کربن و جذب نیتروژن است، با این حال، «توانایی ژن OsDREB1C به‌همین‌جا ختم نشده و همچنین می‌تواند گل‌دهی زودرس، زودباردهی و برداشت زود هنگام برنج را نیز افزایش دهد. اهمیت و نقش کشف این‌ژن نه‌تنها در برنج بلکه در دیگر غلات نیز مورد آزمون قرار گرفته است و به منظور راستی‌آزمایی «تأثیر» احتمالی ژن OsDREB1C در محصولات مختلف دیگری از جمله گندم معمولی نیز تأیید شده و مشخص شده که این ژن باعث عملکرد بالا و زودرسی در گندم شده و می‌تواند عملکرد مزرعه‌کندم را ۱۷.۲ تا ۲۲.۶ درصد افزایش دهد و بلوغ آن را ۳ تا ۶ روز تسریع کند. این تیم تحقیقاتی پژوهش عمیقی را فرمود عملکرد و مکانیسم این ژن در دیگر محصولات غذایی اصلی ازجمله ذرت و سویا نیز آغاز کرده‌اند تا بتوانند میزان مقاومت به تنش و ویژگی‌های عملکرد مزرعه را نیز ارزیابی کنند. سه فرایند فیزیولوژیکی فتوسنتز، استفاده از نیتروژن و گل‌دهی برای دستیابی به هم‌افزایی با عملکرد بالا، کارایی بالا و برداشت زودرس محصول مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد تا فرصت‌حیسی را از طریق بهبود هم‌افزایی صفات فیزیولوژیکی متعدد فراهم کند. اهمیت فوق‌العاده این تحقیق فقط کشف نژ نیست که می‌تواند چندین امر فیزیولوژیکی مهم را به طور هم‌زمان تنظیم کند؛ بلکه توانسته تضاد بلندمدت بین «بازده بالا» و «بلوغ زودرس» در تولید کشاورزی را مرتفع کند. درعین‌حال عملکردهای ژن OsDREB1C در محصولات مختلف باعث می‌شود که چشم‌انداز کاربردی و پتانسیل آن برای تولید پایدار و بهره‌ور در در سیستم‌فشرده کشاورزی و افزایش تولید غلات را بهبود و افق امیدوارکننده‌ای برای امنیت غذایی در سطح جهان ارائه دهد.